

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال نوزدهم، شماره هفتاد و پنجم

پاییز ۱۳۹۷

بررسی تطبیقی الگوی تاریخ نگاری قرآن کریم و منابع تاریخی منتخب (مغازی  
واقدی، طبقات ابن سعد، سیره ابن هشام و تاریخ طبری) در نحوه انعکاس آگاهی پیشین  
یهود از صفات پیامبر ﷺ

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۲۴

تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۱۱/۹

سید محمد صادق حسینی کجانی<sup>۱</sup>

قرآن کریم به آگاهی پیشین یهود از ویژگی‌های پیامبر ﷺ اشاره می‌کند و اقدامات یهود را ناشی از جهالت آنها نسبت به رسالت پیامبر ﷺ نمی‌داند، بلکه به سبب کفر و نفاق آنها می‌داند. پس از قرآن، منابع تاریخی مانند المغازی محمد بن عمر واقدی (د. ۲۰۷ه.ق)، السیره النبویه عبدالملک بن هشام الحمیری (د. ۲۱۸ه.ق)، الطبقات الکبری محمد بن سعد بن منیع الهاشمی البصری (د. ۲۳۰ه.ق) و تاریخ الأمم والملوک أبو جعفر محمد بن جریر الطبری (د. ۳۱۰ه.ق) به این موضوع اشاره می‌کنند.

بررسی چگونگی بازتاب گزارش‌های مربوط به آگاهی پیشین یهود از صفات و ویژگی‌های پیامبر ﷺ در قرآن کریم و منابع منتخب، مهم‌ترین هدف مقاله حاضر است که به شیوه مقایسه‌ای - تحلیلی درصدد پاسخ به این پرسش است که وجوه تشابه و تفاوت گزارش‌های قرآن و منابع منتخب تاریخی از

۱. مربی گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان (واحد اصفهان)  
(sadegh.hoseynik@yahoo.com).

جهت نگرشی، پردازشی و نگارشی در رابطه با آگاهی پیشین یهود از صفات و ویژگی‌های پیامبر ﷺ چیست؟

مقاله حاضر به این نتیجه رسیده است که در آیات مکی به صورت کلی به شناخت یهود از پیامبر ﷺ اشاره می‌شود، اما در آیات مدنی شناخت یهود نسبت به پیامبر ﷺ از طریق بیان صفات آن حضرت در تورات بیان می‌گردد. این درحالی است که منابع منتخب تاریخی ضمن پرداختن به حوادث و اتفاقات از تبیین و تحلیل علل و عوامل اصلی موضع‌گیری یهود غفلت می‌نمایند و این تفاوت در نگرش و در شیوه پردازش قابل ملاحظه است.

**کلیدواژگان:** قرآن، پیامبر ﷺ، یهود، پردازش تاریخی، الگوی نگرشی، الگوی

نگارشی.

## ۱. مقدمه

### ۱-۱. بیان مسئله

قرآن کریم کتاب هدایت بشر است که خداوند آن را با ویژگی راهبری مردم و متضمن دلایل آشکار هدایت و میزان تشخیص حق از باطل<sup>۱</sup> بر قلب رسول خدا ﷺ فرو فرستاد. خداوند در قرآن با رویکردهای متعدد و متفاوتی به بحث هدایت ورود می‌کند. مهم‌ترین این رویکردها، رویکرد تاریخی است. در رویکرد تاریخی، قرآن با ورود به جریان و سرگذشت برخی از اقوام و پیامبران پیشین توجه مخاطبان خود را به آنها جلب می‌نماید و نکته‌های هدایتی خود را بیان می‌کند. عناوین برخی سوره‌ها و محتوای بسیاری از آیات قرآن کریم، اهتمام خداوند به تاریخ و درس‌های تاریخی برای هدایت فعال بشر را نشان می‌دهد تا جایی که در آغاز سوره یوسف می‌فرماید:

ما به بهترین روش به وحی این قرآن بر تو حکایت می‌کنیم و تو پیش از

۱. بقره، آیه ۱۸۵.

این وحی هیچ از آن آگاه نبودی.<sup>۱</sup>

حوادث و موضوع‌های تاریخی در قرآن کریم متنوع و متکثر است. توجه گسترده خداوند به سرگذشت بنی‌اسرائیل در سوره‌های متعدد و نقش آنها در رخداد‌های مهمی در طول تاریخ اسلام نشان‌دهنده اهمیت آنها است؛ زیرا یهود برخلاف مشرکان عصر ظهور اسلام در جزیره‌العرب، آگاه به معارف الهی بودند و این آگاهی زمینه سلطه روحی آنها بر اعراب مشرک را فراهم کرده بود.<sup>۲</sup>

یکی از ویژگی‌های یهود، آگاهی‌های آنها درباره صفات و ویژگی‌های پیامبر ﷺ بر اساس کتاب آسمانی و اخبار پیامبران پیشین بود که باعث شده بود یهودیان آگاهی دقیقی از صفات و ویژگی‌های پیامبر ﷺ داشته باشند. قرآن کریم به موضوع آگاهی پیشین یهود از صفات و ویژگی‌های پیامبر ﷺ توجه می‌کند و دقت شناخت آنها از پیامبر ﷺ را با دقت شناخت آنها از فرزندانشان مقایسه می‌نماید و می‌فرماید:

آنان که ما کتاب به آنها فرستادیم، او را (یعنی محمد ﷺ) به مانند فرزندان خود می‌شناسند. آنان که خود را به زیان انداختند (به او ایمان نمی‌آورند).<sup>۳</sup>

با توجه به این اهمیت، نخستین منابع تاریخ اسلام نمی‌توانستند از کنار این موضوع بی‌تفاوت عبور کنند. بررسی برخی از این منابع، مانند مغازی و اقدی، الطبقات الکبری از ابن سعد، سیره ابن‌هشام و تاریخ طبری که از اصلی‌ترین منابع تاریخ صدر اسلام به شمار می‌روند، اهمیت این موضوع را از دید آنها نشان می‌دهد. مهم‌ترین دلایل انتخاب

۱. یوسف، آیه ۳.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در جمع طلاب حوزه علمیه قم ۱۳۷۹/۰۷/۱۴.

۳. انعام، آیه ۲۰.

منابع مذکور، قدمت و اعتبار آنها در میان مورخان مسلمان و سیره نویسان و بیشتر بودن گزارش‌های تاریخی مربوط به یهود عصر رسول خدا ﷺ در آنها است. با توجه به آنچه گذشت، در این مقاله به روش تطبیقی و تحلیلی و با استناد به منابع اصلی تلاش می‌شود شیوه انعکاس آگاهی پیشین یهود درباره صفات و ویژگی‌های پیامبر ﷺ از محتوای گزارش‌های تاریخی قرآن و گزارش‌های منابع منتخب بررسی و مقایسه شوند تا در این پژوهش، ضمن دستیابی به زوایای دقیق تاریخی ارائه‌شده در قرآن، به تفاوت نوع نگاه قرآن و منابع منتخب به تاریخ (تاریخ نگری) و به تفاوت‌ها و تشابه‌های نوع نقل تاریخ در قرآن (پردازش تاریخی) و منابع منتخب (تاریخ نگاری) دست یابیم.

#### ۱-۲. پیشینه تحقیق

با وجود آثار ارزشمندی که درباره رابطه یهود با رسول خدا ﷺ و یهود در قرآن و مقایسه گزاره‌های تاریخی قرآن با منابع تاریخی تدوین شده است تاکنون اثر مستقلی درباره مطالعه تطبیقی گزاره‌های تاریخی قرآن با اطلاعات موجود در منابع منتخب در موضوع آگاهی پیشین یهود از رسول خدا ﷺ تدوین نشده است. این آثار از جهت روشی و نوع پژوهش در چهارچوب تحقیق حاضر هستند، اما از نظر موضوع پژوهش مطالب قابل توجهی ندارند. این آثار شامل چندین کتاب و مقاله هستند که برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

ولفنسون (۱۹۲۷ م) در کتاب *تاریخ اليهود فی بلاد العرب فی الجاهلیه و صدر الاسلام*<sup>۱</sup> مباحث مربوط به سابقه تاریخی حضور یهود در حجاز را به صورت دقیق مورد تحقیق قرار داده است اما به مقایسه آیات قرآن و منابع تاریخی نپرداخته است.

۱. ولفنسون، اسرائیل، *تاریخ اليهود فی بلاد العرب فی الجاهلیه و صدر الاسلام*.

صادقی (۱۳۸۲) در کتاب پیامبر ﷺ و یهود حجاز<sup>۱</sup> به مناسبات یهود با پیامبر ﷺ پرداخته است. توجه به منابع شیعی تاریخ اسلام، عدم حصر گرایی در تبیین علل حوادث تاریخی از ویژگی های این کتاب است. او در بحث علل هجرت یهود به جزیره العرب به آگاهی یهود از ظهور پیامبر ﷺ در حجاز اشاره می کند اما به مقایسه گزارش های قرآن و منابع تاریخی در این خصوص اشاره ای ندارد.

داداش نژاد (۱۳۸۵) در مقاله نگاهی گذرا به تفاوت سیره نبوی در قرآن و کتب سیره<sup>۲</sup>، به تفاوت های میان گزارش های قرآنی و منابع تاریخی درباره سیره نبوی پرداخته و نتیجه گرفته است بین این دو تفاوت وجود دارد و این تفاوت ناشی از اهداف جداگانه آنها است. عارف کشفی (۱۳۸۹) در کتاب رسول خدا و یهود<sup>۳</sup> علاوه بر این که از آیات قرآن به عنوان میزانی در تبیین مباحث تاریخی استفاده کرده است، نمونه های قرآنی بسیاری را هم بیان نموده است. این نکته قابل تذکر است که مطالب کتاب از باب گزارش های تاریخی قرآن کریم درباره تعامل یهود با پیامبر ﷺ کتاب جامعی است، اما در رابطه با آگاهی پیشین یهود از صفات پیامبر ﷺ و مقایسه تطبیقی گزارش های قرآن و منابع منتخب تاریخی در این باره کاری صورت نداده است.

الویری (۱۳۸۹) در مقاله نگاه تاریخی قرآن و تاریخ نگاری مورخان مسلمان<sup>۴</sup> تا حدودی به موضوع پژوهش حاضر نزدیک شده است، اما موضوع این مقاله از موضوع پژوهش حاضر گسترده تر است. از این رو، نتایج آنها با یکدیگر تفاوت دارند. این مقاله در روش با

۱. مصطفی صادقی، پیامبر ﷺ و یهود حجاز.

۲. منصور داداش نژاد، «نگاهی گذرا به تفاوت سیره نبوی در قرآن و کتب سیره»، مجموعه مقالات همایش بین المللی سیره شناختی پیامبر اعظم ﷺ، ج ۱، ص ۱۴۱.

۳. سید جعفر عارف کشفی، رسول خدا ﷺ و یهود.

۴. محسن الویری و دیگران، «نگاه تاریخی قرآن و تاریخ نگاری مورخان مسلمان (نگاه موردی به علت پیروزی مسلمانان در غزوه بدر)»، پژوهشنامه تاریخ اسلام، ش ۱، ص ۱۹-۳۷.

پژوهش حاضر تفاوت دارد ولی می‌تواند نقشه راهی برای این‌گونه از مقایسه‌ها فراهم سازد.

خوانین زاده (۱۳۸۹) در مقاله *دلایل کوچ یهودیان به جزیره‌العرب*<sup>۱</sup> به پرسش‌هایی مانند یهودیان از چه زمانی پای به جزیره‌العرب گذاشتند؟ و چرا این منطقه را که هیچ ارتباطی با ارض موعود ندارد، برای سکونت خود انتخاب کردند؟ می‌پردازد.

شاکر (۱۳۹۱) در مقاله *تفسیری تاریخی از یهود بر اساس قرآن کریم*<sup>۲</sup> درصدد است با ارائه تصویری روشن از تاریخ یهود از آغاز تا زمان اسلام و سیر تاریخی عملکرد یهودیان در عصر نزول، خواننده را درباره دیدگاه‌های قرآن و عملکرد پیامبر ﷺ و مسلمانان به داوری فراخواند.

دانش کیا (۱۳۹۳) در کتاب *نگاهی دیگر به تاریخ در قرآن (تشابه‌ها، تفاوت‌ها و تعارض‌های گزارش‌های تاریخی قرآن با منابع منتخب، بررسی موردی غزوه بدر، احد و تبوک)*<sup>۳</sup> به موضوع یهود و آگاهی آنها نسبت به صفات پیامبر ﷺ پرداخته است اما روش کتاب او در پژوهش حاضر استفاده شده است.

دانش کیا (۱۳۹۳) در مقاله *اهداف و ویژگی‌های تاریخ در قرآن با تأکید بر تاریخ اسلام*<sup>۴</sup> به دنبال بررسی هدف قرآن از پرداختن به تاریخ است. هم‌چنین ویژگی‌های تاریخ مورد

۱. محمد حسین خوانین زاده، «دلایل کوچ یهودیان به جزیره‌العرب»، پژوهشنامه معارف قرآنی، ش ۲، ص ۲۵-۳۸.

۲. محمد کاظم شاکر، «تفسیری تاریخی از یهود بر اساس قرآن کریم»، دو فصلنامه کتاب قیام، ش ۶، ص ۷-۲۹.

۳. محمد حسین دانش کیا، *نگاهی دیگر به تاریخ در قرآن (تشابه‌ها، تفاوت‌ها و تعارض‌های گزارش‌های تاریخی قرآن با منابع منتخب، بررسی موردی غزوه بدر، احد و تبوک)*.

۴. محمد حسین دانش کیا، «اهداف و ویژگی‌های تاریخ در قرآن با تأکید بر تاریخ اسلام»، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، ش ۱۶، ص ۵۵-۹۰.

توجه قرآن به خصوص تاریخ اسلام را جست‌وجو می‌کند. از دیدگاه این مقاله به نظر می‌رسد قرآن اهداف شش‌گانه‌ای را برای تاریخ مطرح کرده است و از نظر روشی و محتوایی دارای ویژگی‌هایی مشترک با دیگر کتاب‌های تاریخی از یک‌سو و ویژگی‌های انحصاری از سوی دیگر است.

## ۲. محتوای متن

### ۲-۱. الگوی تاریخ‌نگاری قرآن

همان‌گونه که اشاره شد، قرآن کریم کتاب هدایت است و یکی از رویکردهای هدایتی قرآن، رویکرد تاریخی است. رویکرد تاریخی قرآن دارای دو الگوی نگرشی و پردازشی است که در زیر به این دو الگو می‌پردازیم.

#### ۲-۱-۱. الگوی نگرشی قرآن کریم

قرآن کریم در هنگام ارائه گزارش برخی از وقایع تاریخی در آیات نورانی خود، انسان را نسبت به سنت‌های تاریخ آگاه می‌سازد<sup>۱</sup> و از او می‌خواهد که ضمن شناخت فرصت‌ها از آنها کمال استفاده را ببرد. از نگاه قرآن، تاریخ یک منبع معرفت و شناسایی یک موضوع برای تفکر و تدبر و آینه عبرت است که دستیابی به این امر مهم به وسیله تاریخ‌نگری مقدور است.

قرآن کریم نخستین کتابی است که این معنا (توجه به سنن تاریخی) را منکشف<sup>۲</sup> می‌نماید و بر آن پافشاری می‌کند و با این اندیشه که حوادث خودبه‌خود به وجود آمده‌اند و یا این که انسان در برابر حوادث، یک موجود دست‌بسته و به تقدیر سپرده شده است،

۱. محمد، آیه ۱۰؛ یوسف، آیه ۱۰۹؛ حج، آیه ۴۵ - ۴۶.

۲. آشکار نمودن.

مقاومت می‌کند.<sup>۱</sup> این سنن و قوانین به عنوان مهم‌ترین بخش از الگوی نگرشی قرآن کریم دارای سه ویژگی مهم هستند:

۱. الهی هستند و حاکمیت خداوند را تحقق می‌بخشند؛ ۲. عمومی هستند و اتفاقی نیستند؛ ۳. سنت‌های اجتماعی، تاریخی خداوند از زیر دست انسان‌ها جریان می‌یابند.<sup>۲</sup>

#### ۲-۱-۲. الگوی پردازشی قرآن کریم

قرآن کریم، خود را کتاب ذکر<sup>۳</sup>، هدایت<sup>۴</sup> و بصیرت<sup>۵</sup> معرفی می‌نماید. این کتاب هدایت برای تحقق نقش هدایت‌گری خود از تاریخ مانند دیگر پدیده‌ها و دانش‌ها بهره گرفته است. بنابراین، ساختار گزارش‌های تاریخی در قرآن، ساختار یک گزارش تاریخی معطوف به هدف هدایت است. قرآن کریم هیچ‌گاه وقایع را با تفصیلی که در منابع تاریخی معمول است بیان نمی‌کند و تنها به نقاطی از حادثه اشاره می‌نماید که برای زندگی سعادت‌مندان بشر راه‌گشا و سبب هدایت او است.<sup>۶</sup>

قرآن کریم به انسان‌ها می‌آموزد، هنگام تحلیل حوادث و وقایع به چه عوامل و مؤلفه‌هایی باید توجه داشت، یا چه عواملی جلو شکست را می‌گیرند و چه عواملی باعث

۱. صدر، سنت‌های تاریخ در قرآن، ص ۷۸.

۲. صدر، مقدمات للتفسیر الموضوعی للقرآن، ص ۶۸؛ ملکوتیان، سیری در نظریه‌های انقلاب، ص ۱۵۲.

۳. حجر، آیه ۹؛ قمر، آیه ۲۲.

۴. بقره، آیه ۱.

۵. یوسف، آیه ۱۰۸.

۶. به‌عنوان مثال در بیان قصه بنی‌نضیر، ابتدا نتیجه غزوه را که اخراج بنی‌نضیر است، بیان می‌کند و سپس اشاراتی به برخی رخدادها هم‌چون تخریب خانه‌های یهود و یا قطع کردن درختان خرما می‌نماید و می‌فرماید: هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّغْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ (حشر، آیه ۱-۲).



پیروزی در جنگ‌ها می‌شوند. قرآن شیوه‌ای خاص در تحلیل رویدادها دارد که به نظر می‌رسد این شیوه، علاوه بر تأکید بر عوامل انسانی و مادی در وقایع و حوادث به عوامل ماورایی و معنوی اشاره دارد. پرداختن به روحیه انسان‌های درگیر در رخدادها و ارائه یک جمع‌بندی و نتیجه‌گیری مختصر و هدایت‌مدارانه، ویژگی بسیار مهم قرآن کریم است. به عبارت دیگر، روش تاریخ‌نگاری قرآن مستقل از تاریخ‌نگاری آن نیست و تاریخ‌نگاری بخشی از تاریخ‌نگاری آن است.<sup>۱</sup>

## ۲-۲. آگاهی پیشین یهود از صفات ویژگی‌های پیامبر ﷺ

### ۲-۲-۱. گزارش‌های قرآن کریم

معرفت و شناخت رسول خدا ﷺ در کتاب‌های آسمانی، آن قدر روشن و همه‌جانبه بوده است که قرآن مجید این معرفت را به شناختی که پدر و مادر از فرزند خود دارند، تشبیه می‌نماید و دو بار در این باره می‌فرماید:

گروهی که ما بر آنها کتاب فرستادیم، (محمد صلی الله علیه و آله و سلم و

حَقَانِیْتِ) او را به خوبی می‌شناسند همان گونه که فرزندان خود را و لکن گروهی

از آنان (از راه عناد) حق را کتمان می‌کنند در صورتی که علم به آن دارند.<sup>۲</sup>

آنان که ما کتاب به آنها فرستادیم، او را (یعنی محمد صلی الله علیه و آله و

۱. به عنوان مثال، اشاره به روحیه تفرقه و تشتت قلبی یهود و دوستان منافقشان و بی‌ایمانی آنها به گونه‌ای که قلعه‌های استوار را از اراده خداوند مستحکم‌تر می‌دیدند و بیان این نتیجه هدایت‌گر که دلیل این روحیه آنها را بی‌بهره بودن ایشان از تعقل و رفتار عاقلانه می‌داند و در این باره می‌فرماید: جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَىٰ مُّحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسِبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّىٰ ذَلِكِ بَأْسُهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ (حشر، آیه ۱۴).

۲. «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (بقره، آیه ۱۴۶).

سَلَمَ رَا) به مانند فرزندان خود می‌شناسند. آنان که خود را به زیان انداختند (به او) ایمان نمی‌آورند.<sup>۱</sup>

خداوند در بحث انتظار بعثت حضرت رسول ﷺ از سوی اهل کتاب می‌فرماید:  
و هنگامی که از جانب خداوند کتابی که مؤید آنچه نزد آنان است برایشان آمد و از دیرباز [در انتظارش] بر کسانی که کافر شده بودند پیروزی می‌جستند؛ ولی همین که آنچه [که اوصافش] را می‌شناختند برایشان آمد، انکارش کردند.<sup>۲</sup>

پیش از بعثت، کفار عرب متعرض یهود می‌شدند و ایشان را آزار می‌دادند و یهود در مقابل، آرزوی رسیدن بعثت پیامبر ﷺ را می‌کردند و می‌گفتند:  
اگر پیغمبر ما که تورات از آمدنش خیر داده مبعوث شود و نیز به گفته تورات به مدینه مهاجرت کند ما را از این ذلت و از شر شما اعراب نجات می‌دهد.<sup>۳</sup>

یهودیان پیش از هجرت رسول خدا ﷺ همواره این آرزو را می‌کردند، به همین سبب در میان همه کفار عرب معروف شده بود<sup>۴</sup> اما با هجرت رسول خدا ﷺ به مدینه چون پیامبر ﷺ را از ذریه هارون ندیدند<sup>۵</sup> به او ایمان نیاوردند و رسالت آن حضرت را کتمان کردند.<sup>۶</sup>

۱. «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمُ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» (انعام، آیه ۲۰).
۲. «وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ» (بقره، آیه ۸۹).
۳. ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۲، ص ۳۶۲؛ ابن كثير، السيرة النبوية، ج ۲، ص ۲۹۸.
۴. ابن كثير، السيرة النبوية، ج ۳، ص ۴۰۲.
۵. طبری، جامع البيان عن تأويل آي القرآن، ج ۹، ص ۴۱۰.
۶. همان، ج ۲، ص ۵۳۳.

این کتمان و پنهان کاری نشان دهنده توطئه‌ای فرهنگی از سوی یهود بر ضد اسلام است. دانشمندان آنها حقایق ظهور پیامبر ﷺ را از مردم یهود و هم از مسلمانان پنهان می‌کردند، مبدا حقانیت پیامبر ﷺ آشکار شود و آنها مقام و موقعیت خود را از دست دهند.<sup>۱</sup> به عنوان نمونه، از عبد الله بن سلام نقل شده است که گفت: من محمد را از فرزندم بهتر می‌شناختم. از وی پرسیده شد: چگونه؟ گفت: چون نشانه‌های روشن او را در کتاب‌ها خوانده بودم و شک نداشتم که او همان پیامبر موعود است.<sup>۲</sup>

با توجه به این مطالب، نکات قرآنی در رابطه با آگاهی پیشین یهود از رسول خدا ﷺ در موارد زیر جمع بندی می‌شود:

۱. شناخت همه‌جانبه فردی یهود نسبت به پیامبر ﷺ هم‌چون شناخت ایشان از فرزندان‌شان بود؛<sup>۳</sup>
۲. شناخت نسبت به سایر ویژگی‌های رفتاری پیامبر اکرم ﷺ به واسطه بیان آنها در تورات و انجیل؛<sup>۴</sup>

۱. یعقوب جعفری، تاریخ اسلام از منظر قرآن، ص ۱۶۴.

۲. رازی، تفسیر فخر رازی (مفاتیح الغیب)، ج ۴، ص ۱۴۴.

۳. بقره، آیه ۱۴۶.

۴. هم آنان که پیروی کنند از آن رسول (ختمی) و پیغمبر امّی که در تورات و انجیلی که در دست آنهاست (نام و نشان و اوصاف) او را نگاشته می‌یابند که آنها را امر به هر نیکویی و نهی از هر زشتی خواهد کرد و بر آنان هر طعام پاکیزه و مطبوع را حلال و هر پلید منفور را حرام می‌گرداند و احکام پر رنج و مشتقی را که چون زنجیر به گردن خود نهاده‌اند از آنان برمی‌دارد (و دین آسان و موافق فطرت بر خلق می‌آورد). پس آنان که به او گرویدند و از او حرمت و عزت نگاه داشتند و یاری او کردند و نوری را که به او نازل شد پیروی نمودند آن گروه به حقیقت رستگاران عالمن (اعراف، آیه ۱۵۷).

۳. یقین یهود نسبت به ادعای پیامبر ﷺ به واسطه شهادت عالم شاخص یهودی (کعب الاحبار)؛

۴. شناخت به واسطه بیان ویژگی‌های مؤمنان به پیامبر ﷺ در تورات و انجیل؛

۵. بشارت آمدن پیامبر ﷺ خطاب به بنی اسرائیل و جاری شدن کلمه احمد، اسم آن حضرت بر زبان مبارک حضرت عیسی؛

۶. بیان شناخت یهود نسبت به پیامبر ﷺ در میان آیات مکی و آیات مدنی می‌تواند تأییدی بر حضور یهود در این دو شهر در زمان نزدیک به ظهور اسلام باشد؛

۷. خداوند در آیه ۸۹ بقره به شناخت یهود از پیامبر ﷺ به واسطه شناخت ایشان از قرآن پرده برمی‌دارد و با آوردن فعل کانوا، ایشان را به دلیل انکار حقیقت تحقیر می‌کند؛

۱. قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ مِثْلِهِ فَأَمَنَ وَاسْتَكْبَرْتُمْ إِنْ لَمْ يَأْتِكُمْ بِالْبُرْهَانِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ الْكُفْرَانِ رَحِمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سَوْقِهِ يُعْجِبُ الزَّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفْرَانَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (فتح، آیه ۲۹).

۲. مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفْرَانِ رَحِمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سَوْقِهِ يُعْجِبُ الزَّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفْرَانَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (فتح، آیه ۲۹).

۳. وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدٌ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ (صف، آیه ۶).

۴. بقره، آیه ۱۴۶؛ انعام، آیه ۲۰.

۵. وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ؛ و چون کتاب آسمانی قرآن از نزد خدا برای هدایت آنها آمد با وجودی که کتاب (تورات) آنان را تصدیق می‌کرد و با آن که خود آنها پیش از بعثت (پیامبر اسلام) انتظار غلبه بر کافران داشتند، آن گاه که آمد و شناختند (که همان پیغمبر موعود است) باز به او کافر شدند (و از نعمت وجود او ناسپاسی کردند)، پس خشم خدا بر کافران باد (بقره، آیه ۸۹).

۸. خداوند پیروان رسول خدا ﷺ و ایمان آورندگان به ایشان را رستگار می‌داند و به نوعی با این بیان منکران آن حضرت، مانند یهود را تهدید می‌کند.<sup>۱</sup>

## ۲-۲-۲. گزارش‌های منابع منتخب

### مغازی واقدی

مغازی واقدی در میان منابع منتخب از قدمت بیشتری برخوردار است. بیشتر مباحث این کتاب در رابطه با غزوات و سریه‌های رسول خدا است اما در میان این مباحث به مطالب دیگری، مانند آگاهی دیرینه یهود از زمان و مکان بعثت پیامبر ﷺ و صفات و ویژگی‌های آن حضرت اشاراتی دارد که بیشتر آنها به شرح زیر است. در گزارش مربوط به غزوه بنی نضیر، هنگامی که رسول خدا ﷺ از نیرنگ یهود آگاه شد و به مدینه بازگشت، کنانه بن صویراء، یکی از علمای یهود در هشدار به یهودیان گفت:

کتاب‌های ما و آنچه در تورات آموخته و خوانده‌ایم که تغییر ناپذیر است،  
حاکمی از این است که زادگاه آن پیامبر مکه و محل هجرت او مدینه است و  
صفات محمد هم چنان است که هیچ اختلافی با آنچه در کتاب‌های ما بیان شده  
است ندارد.<sup>۲</sup>

در ادامه گزارش بالا، هنگامی که یکی از بزرگان بنی نضیر به نام سلام بن مشکم از حیی بن اخطب، رئیس بنی نضیر درخواست ترک نزاع و پذیرش شرایط رسول الله را می‌کند، در استدلالی به یقین خود و سایر بزرگان یهود به پیامبری رسول خدا اشاره می‌کند و می‌گوید:

۱. اعراف، آیه ۱۵۷.

۲. و إن کتبتا و الذی در سنا فی التوراة التی لم غیر و لم تبدل أن مولده بمکة و دار هجرته یشرب و صفته بعینها.

ای حیّی، چنین کاری مکن. به خدا قسم! تو می‌دانی، ما هم می‌دانیم که محمد رسول خدا است و تمام صفات او در کتب ما نقل شده است.<sup>۱</sup>

واقدی به کتمان حقایق مربوط به پیامبر ﷺ از سوی عالمان یهود در جریان قانع کردن مشرکان قریش برای اتحاد با ایشان در به راه انداختن نبرد احزاب اشاره می‌کند<sup>۲</sup> و در این گزارش به آیه ۵۱ سوره نساء<sup>۳</sup> استناد می‌نماید. هم‌چنین در گزارش دیگری در جریان جنگ احزاب می‌نویسد:

پیامبر ﷺ حاضر به معامله با عیینة بن حصن و حارث بن عوف<sup>۴</sup> نشد. آن دو در بازگشت با یک‌دیگر گفت‌وگو می‌کردند که عیینة بن حصن به حارث بن عوف گفت: به خدا قسم! دانشمندان یهود خیبر چنین می‌گویند که در کتاب‌های خود دیده‌اند که از مکه پیامبری برانگیخته می‌شود که صفات او منطبق با محمد است.<sup>۵</sup>

واقدی در گزارش دیگری به تطبیق صفات پیامبر ﷺ با آنچه از این ویژگی‌ها نزد علمای یهود بوده است، می‌پردازد. او در این باره به سخنان کعب الاحبار، عالم یهودی

۱. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۳۶۸.

۲. همان، ج ۲، ص ۴۴۲.

۳. أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أَوْتُوا نَصِيْبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَىٰ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا (نساء، آیه ۵۱).

۴. عیینة بن حصن و حارث بن عوف از بزرگان قبیله غطفان بودند. توضیح مصحح طبقات ابن سعد: اسم عیینة بن حصن: حذیفة و سمی عیینة، لشرکان بعینه. أسلم ثم ارتد و آمن بطلیحة حين تنبأ و أخذ أسیرا، فأتی به أبو بکر رضی الله عنه فمن علیه و لم یزل مظهرا الإسلام علی جفوته و عنجهيته و لوثة أعرابيته حتی مات؛ و هو الَّذی قال فیہ صلی الله علیه و سلم: الأحمق المطاع، لأنه كان یتبعه عشرة آلاف قناسة (راجع الروض و شرح المواهب).

۵. و الله، لقد کان أحبار یهود خیبر و إنهم یحدّثون أنهم یجدون فی کتبهم أنه بیعث نبیّ من الحرم علی صفته واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۴۷۹.

ساکن یمن در دیدار با فرستاده رسول خدا، امیرالمؤمنین حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ اشاره می‌کند و می‌نویسد:

هنگامی که علی عَلَيْهِ السَّلَامُ به یمن آمد من به دیدارش رفتم و گفتم: برای من نشانی‌های محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را بگو و او شروع به گفتن کرد و من لبخند می‌زدم. علی عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسید: چرا لبخند می‌زنی؟ گفتم: از این جهت که این نشانی‌ها مطابق است با نشانی‌هایی که پیش ما است.<sup>۱</sup>

در بررسی مقایسه‌ای گزارش‌های قرآنی و گزارش‌های واقدی، بیشتر موارد مشابه عبارت هستند از: ۱. بیان وجود اوصاف پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در تورات؛ ۲. کتمان حقایق مربوط به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ ۳. بیان وجود اوصاف پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در تورات و تطبیق آنها بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به وسیله یک نفر از یهود.

هم‌چنین، تفاوت گزارش‌های قرآن با گزارش‌های واقدی در موارد زیر جمع بندی می‌شود:

۱. در قرآن کریم به شناخت یهود از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به واسطه بیان ویژگی‌های پیروان آن حضرت اشاره شده است. درحالی‌که در مغازی، گزارشی در این رابطه نیامده است؛
۲. قرآن کریم در بشارت آمدن پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از زبان حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ به احمد، نام آن حضرت تصریح نموده است. درحالی‌که در مغازی به بیان این نام از سوی یهود اشاره نشده است؛
۳. واقدی گزارشی را که بیان‌گر علم یهود به زادگاه، مقصد هجرت و سایر صفات پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به استناد کتاب‌های ایشان هست، آورده است در حالی‌که در قرآن کریم به این آگاهی به تفصیل اشاره نشده است.

۱. قال كعب الأحبار: لما قدم عليّ عليه السلام اليمن، لقيته فقلت: أخبرني عن صفة محمد. فجعل يخبرني عنه و جعلت أتبسّم فقال: ممّ تبسّم فقلت: ممّا يوافق ما عندنا من صفت (واقدي، المغازی، ج ۳، ص ۱۰۸۳).

### الطبقات الكبرى

طبقات ابن سعد در محدوده اطلاعات مربوط به آگاهی و اطلاع یهود از صفات پیامبر ﷺ و زمان و مکان بعثت رسول خدا ﷺ در برگیرنده مطالب بیشتری نسبت به دیگر منابع است. ابن سعد گزارش‌های مربوط به آگاهی اهل کتاب نسبت به پیامبر خدا ﷺ را پیش از تولد و نوجوانی آن حضرت آغاز می‌کند و قصه نام‌گذاری نوزادان به نام محمد را از سوی عرب به امید این که همان پیامبر موعود بشارت داده شده از جانب اهل کتاب باشند، بیان می‌کند.<sup>۱</sup> ابن سعد در گزارشی از عایشه می‌نویسد:

در مکه مردی یهودی ساکن بود که تجارت می‌کرد و در شیبی که پیامبر اکرم به دنیا آمد گفت: امشب پیامبر این امت (احمد) متولد شد.<sup>۲</sup>

هم‌چنین، او هشدار بحیرا، عالم نصرانی به ابوطالب درباره دور نگه داشتن یتیم عبدالله از حسادت و گزند یهود حسود و ستیزه‌گر را نقل می‌کند و درباره دلیل آن می‌نویسد:

یهود اهل ستیزه و دشمنی هستند و این پسر، پیامبر این امت و عرب است و یهود بر او رشک می‌برند و می‌خواهند پیامبری ققط در بنی اسرائیل باشد.<sup>۳</sup>

۱. ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۹۵.

۲. سکن یهودی بمکه بیع بها تجارات. فلما كان ليلة ولد رسول الله. ص. قال في مجلس من مجالس قریش: هل كان فيكم من مولود هذه الليلة؟ قالوا: لا نعلمه. قال: أخطأت والله حيث كنت أكره. انظروا يا معشر قریش و أحصوا ما أقول لكم: ولد الليلة نبي هذه الأمة أحمد الآخر (ابن سعد، الطبقات الكبرى، ص ۱۲۹).

۳. قال: صدقت. ارجع باین أخیک إلى بلده و احذر عليه اليهود. فوالله لئن رأوه و عرفوا منه ما أعرف ليبيغنه عننا. فإنه كائن لابن أخیک هذا شأن عظیم نجده في كتبنا و ما روينا عن آبائنا؛ و اعلم أني قد أدیت إليك النصيحة. فلما فرغوا من تجارتهم خرج به سريعا؛ و كان رجال من يهود قد رأوا رسول الله (ابن سعد، الطبقات الكبرى، ص ۱۲۳).



دیگر گزارش‌های ابن سعد در این باره، تعلیم و آموزش نام و نشان‌های رسول خدا ﷺ در کتاب‌های یهود از سوی یهود بنی قریظه به کودکانشان<sup>۱</sup> و آگاهی یهود خیبر، فدک، بنی نضیر و بنی قریظه از طلوع و ظهور ستاره پیامبر اکرم ﷺ هنگام تولد و بعثت آن حضرت و دیگر صفات و خصوصیات رسول خدا<sup>۲</sup> است. ابن سعد در این زمینه می‌نویسد:

واقدی برای ما از ضحاک بن عثمان، از مخرمه بن سلمان، از کریب، از ابن عباس نقل می‌کرد که می‌گفته است: یهودیان خیبر و فدک و بنی قریظه و بنی نضیر صفات و نشانی‌های پیامبر ﷺ را پیش از بعثت او می‌دانستند و توجه داشتند که مدینه محل هجرت آن حضرت است و چون رسول خدا متولد شد، دانشمندان یهود گفتند امشب احمد متولد شد و ستاره‌اش طالع گردید و چون آن حضرت مبعوث شد، گفتند: احمد ﷺ به پیامبری برانگیخته شد و ستاره‌اش ظاهر گردید. همه این امور را می‌دانستند و به آن اقرار و نشانی‌ها و صفات او را در نظر داشتند و از رشک و ستم به او نگریدند.<sup>۳</sup>

از دیگر مواردی که ابن سعد در کتاب خود به آن اشاره می‌کند، مهاجرت عالم ربانی یهود، ابن هیبان از شام و ساکن شدن وی در مدینه به امید ظهور پیامبر آخر الزمان و

۱. ابن سعد، الطبقات الکبری، ص ۱۲۷.

۲. همان، ص ۱۲۶.

۳. أخبرنا محمد بن عمر قال: حدثني الضحاک بن عثمان عن مخرمة بن سليمان عن کریب عن ابن عباس قال: كانت یهود قریظة و النضیر و فدک و خیبر یجدون صفة النبى. عندهم قبیل أن یبعث؛ و أن دار هجرته بالمدينة. فلما ولد رسول الله. قالت أحبار اليهود: ولد أحمد اللیلة. هذا الکوکب قد طلع. فلما تنبى قالوا: قد تنبى أحمد. قد طلع الکوکب الذی یطلع. كانوا یعرفون ذلک و یقرون به و یصفونه إلا الحسد و البغی... أخبرنا محمد بن عمر قال: حدثني محمد بن صالح عن عاصم بن عمر بن قتادة عن نملة بن أبی نملة عن أبیه قال: كانت یهود بنی قریظة یدرسون ذکر رسول الله. فی کتبههم و یعلمونه الولدان بصفته و اسمه و مهاجره إلینا. فلما ظهر رسول الله (ابن سعد، الطبقات الکبری، ص ۱۲۷).

ایمان آوردن به او است و سفارش ابن هبیبان به یهود بنی قریظه در ایمان آوردن به او، پیش از آن که دیگران به او ایمان آورند، است.<sup>۱</sup> ابن سعد نام سه نفر از یهودیان بنی قریظه را که به واسطه بشارت‌های او و با توجه به مستجاب‌الدعوة بودن وی، به رسول خدا ایمان آوردند، بیان می‌کند.<sup>۲</sup> هم‌چنین صفات حضرت محمد ﷺ در تورات و انجیل را از زبان کعب الاحبار یهودی و غلامی مسیحی به نام سهل شرح می‌دهد.<sup>۳</sup>

در بررسی مقایسه‌ای گزارش‌های قرآنی و گزارش‌های ابن سعد، موارد مشابه عبارت هستند از:

۱. آگاهی یهود از صفات و ویژگی‌های پیامبر ﷺ به واسطه وجود آنها در تورات؛
۲. بیان صفات پیامبر ﷺ از زبان کعب الاحبار یهودی؛
۳. اشاره به نام احمد برای پیامبر ﷺ، اشاره به انتظار ظهور پیامبر ﷺ از سوی یهود در شبه‌جزیره و تهدید مشرکان به انتقام با پشتیبانی آن حضرت در هنگام نزاع. هم‌چنین، تفاوت‌های گزارش‌های قرآن با گزارش‌های ابن سعد شامل موارد زیر است:
  ۱. ابن سعد آگاهی یهود به مکان تولد، بعثت و هجرت پیامبر ﷺ را بیان می‌نماید و به آموزش صفات پیامبر ﷺ به کودکان یهودی از سوی پدرانشان اشاره می‌کند؛
  ۲. قرآن شناخت یهود نسبت به پیامبر ﷺ را به صورت کلی بیان می‌کند و درباره بیان خصوصیات آن حضرت از زبان یهود، سخنی به میان نمی‌آورد؛
  ۳. طبقات به تفصیل به بیان پیش‌گویی یهود در مکه درباره تولد، نام آن حضرت و حتی نام‌گذاری فرزندان به نام محمد از سوی اهالی مکه به امید آن که همان پیامبر موعود اهل کتاب باشد، اشاره می‌کند.

---

۱. همان، ص ۱۲۷.

۲. همان.

۳. همان، ص ۸۳، ۳۱۵.

۴. قرآن نام مؤمن یهودی را بیان نمی‌کند.

#### سیره ابن هشام

ابن هشام علاوه بر اخبار پراکنده‌ای که پیرامون خبر آمدن و نزدیک بودن ظهور رسول خدا ﷺ از سوی اهل کتاب و کاهنان آورده است، صفحاتی از کتاب خود را به‌طور خاص به اخبار یهود درباره آمدن آن حضرت اختصاص داده است. ابن هشام در این باره می‌نویسد:

رفته رفته زمان بعثت پیغمبر اسلام صلی الله علیه وآله نزدیک می‌شود، اخبار یهود، رهبانان نصاری، کاهنان عرب خبر آمدن و ظهور آن حضرت را در آن نزدیکی به مردم گوشزد می‌کردند.<sup>۱</sup>

هم‌چنین در گزارش تاریخی در رابطه با شأن نزول آیه ۸۹ بقره<sup>۲</sup>، به نقل از ابن قتاده

می‌نویسد:

گروهی از کسانی که قبیل از اسلام مشرک بوده و در مدینه زندگی می‌کرده‌اند می‌گویند، سبب مسلمان شدن ما صرف نظر از توفیق ربانی، این بود که در آن زمان که ما مشرک و بت پرست بودیم، یهودیان که اهل کتاب بودند و علومی در نزد آنان بود که ما آنها را نداشتیم در هنگام نزاع و جنگ هرگاه ما بر آنان پیروز می‌شدیم به ما می‌گفتند: همانا زمان بعثت آن پیغمبری که (در آخرالزمان) مبعوث می‌شود نزدیک شده و ما در رکاب او شمارا مانند عاد و ارم

۱. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۰۴.

۲. وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ؛ و چون کتابی از نزد خدا برای ایشان بیامد که تصدیق‌کننده بود آنچه را که با ایشان هست و پیش از آن نیز پیروزی می‌جستند بر آنان که کفر ورزیدند تا گاهی که بیامد ایشان را آنچه آن را بشناختند بدان کافر شدند پس لعنت خدا بر کافران باد (بقره، ۸۹).

می‌کشیم و این سخنی بود که ما بسیار از یهودیان می‌شنیدیم چون رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به نبوت مبعوث شد و دانستیم که آن پیغمبری که یهودیان به آمدن او ما را تهدید می‌کردند همین پیغمبر است، روی این جهت ما پیش‌دستی کرده و بدان حضرت ایمان آوردیم ولی یهود کفر ورزیدند و ایمان نیاوردند و در همین باره آیه فوق نازل گشت.<sup>۱</sup>

از دیگر گزارش‌های ابن‌هشام، ایمان آوردن سلمة بن سلامه از قبیله بنی عبدالاشهل، یکی از قبایل مدینه<sup>۲</sup> به واسطه شنیدن خبری از مردی یهودی درباره نزدیک بودن بعثت پیامبری که از سوی مکه خواهد آمد<sup>۳</sup> و اسلام آوردن دو جوان یهودی به نام‌های ثعلبة و اسید، پسران سعيه از قبیله بنی قریظه به واسطه شنیدن بشارت‌های عالم یهودی به نام ابن هیبان درباره نزدیک بودن ظهور پیامبری که هجرت‌گاه او یثرب است.<sup>۴</sup> همان‌گونه که ملاحظه می‌شود ابن‌هشام در یک مورد به بیان گزارشی تاریخی در رابطه با شأن نزول آیه استفتاح می‌پردازد. موارد مشابه میان گزارش‌های تاریخی قرآن و سیره ابن‌هشام درباره آگاهی پیشین یهود از صفات رسول خدا ﷺ شامل دو مورد است:

۱. آگاهی و شناخت یهود مکه از پیامبر ﷺ و بعثت ایشان؛
  ۲. شناخت یهود یثرب از پیامبر ﷺ به استناد آیه استفتاح.
- هم‌چنین، تفاوت سیره ابن‌هشام و قرآن عبارت است از:
۱. ابن‌هشام آگاهی یهود به مکان تولد، بعثت و هجرت پیامبر را بیان می‌کند؛

۱. ابن‌هشام، السیرة النبویة، ص ۲۱۲.

۲. ابن‌هشام در معرفی او فقط به حضورش در جنگ بدر اشاره می‌کند.

۳. ابن‌هشام، السیرة النبویة، ص ۲۱۲.

۴. همان، ص ۲۱۳.

۲. ابن هشام به تفصیل به آگاهی یهود درباره نزدیک بودن بعثت پیامبر ﷺ اشاره می‌کند؛

۳. ابن هشام به صفات پیامبر ﷺ در تورات و انجیل به نقل از یک یهودی اشاره می‌کند؛

۴. قرآن به بیان نام احمد از زبان حضرت عیسی و آگاهی یهود از این نام پیامبر ﷺ اشاره می‌کند، در حالی که در سیره ابن هشام به این نام از زبان یهود اشاره‌ای نمی‌شود.

### تاریخ طبری

با توجه به این که طبری نسبت به مورخان پیشین متأخر است، بیشتر مطالب او از آثار مورخان پیشین برگرفته شده است. بیشترین گزارش‌های طبری پیرامون علم و آگاهی یهود و نصارا درباره ویژگی‌های رسول خدا ﷺ شامل گزارش مربوط به هشدار بحیرا به ابوطالب در رابطه با دور نگه داشتن محمد نوجوان ﷺ از آسیب یهود، نزاع و درگیری مداوم مشرکان یثرب با یهود و این که یکی از تهدیدهای دائمی یهود، اعلام ظهور پیامبر آخرالزمان در حجاز و متحد شدن ایشان با وی بر ضد مشرکان بود. طبری گزارشی از ایمان آوردن گروهی از یثربیان به واسطه شنیدن همین بشارت‌ها آورده است و در این خصوص می‌نویسد:

و خدای چنان خواسته بود که یهودان دیارشان اهل علم و کتاب بودند و خزرگیان مشرک و بت پرست بودند و با یهودان جنگ‌ها داشته بودند و هر وقت در میانه حادثه‌ای بود، می‌گفتند: پیامبری داریم که بعثت او نزدیک است و روزگارش فرا رسیده و ما پیرو او می‌شویم و به کمک او شما را چون عباد و ارم می‌کشیم و نابود می‌کنیم و چون پیامبر خدا با آن گروه سخن گفت و به سوی خدا دعوتشان کرد با هم دیگر گفتند: به خدا! این همان پیامبری است که یهودان

۱. طبری، تاریخ الامم والملوک، ج ۲، ص ۲۷۷، ۲۷۸.

می‌گویند مبادا پیش از شما بدو بگروند. بدین‌سان جمعی از خزر جیان دعوت پیامبر را پذیرفتند و تصدیق او کردند و به اسلام گرویدند.<sup>۱</sup>

با توجه به مباحث بالا، گزارش‌های قرآن در یک مورد با گزارش‌های طبری شباهت دارد که عبارت است از اشاره طبری به آیه استفتاح در بیان شناخت یهود از پیامبر ﷺ و تفاوت‌های گزارش‌های قرآن با گزارش‌های تاریخ طبری شامل موارد زیر است:

۱. قرآن به بیان نام احمد از زبان حضرت عیسی و آگاهی یهود از این نام پیامبر ﷺ اشاره می‌کند. درحالی‌که در تاریخ طبری به این نام از زبان یهود اشاره‌ای نمی‌شود؛
۲. شناخت همه‌جانبه فردی یهود نسبت به پیامبر ﷺ هم‌چون شناخت ایشان از فرزندان‌شان؛
۳. شناخت نسبت به سایر ویژگی‌های رفتاری پیامبر اکرم ﷺ به‌واسطه بیان آنها در تورات و انجیل؛
۴. یقین یهود نسبت به ادعای پیامبر ﷺ به‌واسطه شهادت کعب الاحبار، عالم شاخص یهودی؛
۵. شناخت به‌واسطه بیان خصوصیات مؤمنان به پیامبر ﷺ در تورات و انجیل.

۲-۳. تبیین آگاهی پیشین یهود از صفات و ویژگی‌های پیامبر ﷺ در الگوی

### تاریخ‌نگاری قرآن

علم و آگاهی جامع و مانع انسان به یک موضوع، بالاترین حجت برای او است و در صورت انکار نتایج مبتنی بر آن آگاهی، بالاترین حجت علیه او در آن موضوع خواهد بود.

۱. قال: و كان مما صنع الله لهم به في الاسلام، ان يهود كانوا معهم ببلادهم و كانوا اهل كتاب و علم و كانوا اهل شرك، اصحاب اوثان و كانوا قد عزوهم ببلادهم، فكانوا اذا كان بينهم شيء قالوا لهم: ان نبيا الان مبعوث قد اظل زمانه، تتبعه و تقتلكم معه قتل عاد و ارم فلما كلم رسول الله ص اولئك النفر و دعاهم الله، قال بعضهم لبعض: تعلمن و الله انه للنبى الذى توعدكم به يهود، فلا يسبقنكم اليه. فأجابوه فيما دعاهم اليه، بان صدقوه و قبلوا منه ما عرض عليهم من الاسلام(همان، ج ۳، ص ۸۹۴).

آیات قرآن کریم در بحث آگاهی پیشین یهود نسبت به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به وجود این آگاهی در بین یهود، ورود قوی و پر معنایی دارد که آیات مربوطه در چارچوب الگوی نگرشی و پردازشی قرآن کریم بررسی می‌شود.<sup>۱</sup>

### ۲-۳-۱. الگوی نگرشی

۱. هشدار به کافران: خداوند به سبب پوشانده شدن حقیقت دعوت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از سوی عالمان یهودی، آنان را کافر می‌داند و شدیدترین وعیدهای عذاب را به ایشان می‌دهد. آنان را خریداران خشم و غضب الهی به شمار می‌آورد و وعید عذابی خوارکننده به ایشان می‌دهد و می‌فرماید:

پس به خشمی بر خشم دیگر گرفتار آمدند و برای کافران عذابی خفت آور

است.<sup>۲</sup>

هم چنین در این باره می‌فرماید:

و کیست ستم کارتر از آن کس که بر خدا دروغ بسته یا آیات او را تکذیب

نموده؟ بی‌تردید، ستم‌کاران رستگار نمی‌شوند.<sup>۳</sup>

۲. تقویت قلب و استوار کردن دل پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: حق از جانب پروردگار توست. پس مبدا

از تردیدکنندگان باشی.<sup>۴</sup> اگرچه شک پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به حقانیت خویش منتفی است و آیه در

حقیقت درصدد زدودن شک از مسلمانان است، در همین اندازه هم باعث دل‌گرمی

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است.

۱. بقره، آیه ۸۹، ۱۴۶؛ انعام، آیه ۲۰.

۲. فَبَاؤُا بَعْضَ عَلٰی غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِيْنَ عَذَابٌ مُّهِينٌ (بقره، آیه ۹۰).

۳. وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرٰى عَلٰى اللّٰهِ كَذِبًا اَوْ كَذَّبَ بِآيٰتِهٖ اِنَّهٗ لَافْلِحُ الظّٰلِمُوْنَ (انعام، آیه ۲۱).

۴. الْحَقُّ مِنْ رَّبِّكَ فَلَا تَكُوْنَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِيْنَ (بقره، آیه ۱۴۷).

۳. توجه دادن مخاطب به عالم آخرت و تذکر این نکته که از دست دادن سعادت اخروی بالاترین زیان است.<sup>۱</sup>

۴. ریشه‌یابی و تحلیل چرایی رخدادها؛ خداوند تنها به بیان مخالفت و انکار پیامبر ﷺ از سوی یهود بسنده نکرده است و چرایی آن را که عبارت است از حسادتی که به کفر انجامید، بیان می‌کند و در این باره می‌فرماید:

بد معامله‌ای با خود کردند که به نعمت قرآن که خداوند بر آنها نازل کرد کافر شدند از روی حسد و ستمگری که چرا خدا فضل خود را مخصوص بعضی از بندگان گرداند (چرا پیامبری از غیر بنی اسرائیل برانگیخته) و به واسطه این حسد باز خشم دیگری از خدای برای خود گرفتند و برای کافران عذاب خواری مهتاس.<sup>۲</sup>

#### ۲-۳-۲. الگوی پردازشی

۱. بهره‌گیری از اسلوب تکرار در بیان شناخت و آگاهی یهود نسبت به شخص رسول خدا ﷺ: قرآن کریم بر اصل بحث شناخت و انکار یهود نسبت به رسول خدا ﷺ تمرکز می‌نماید. به گونه‌ای که دو مرتبه بر شناخت همه جانبه یهود نسبت به شخص پیامبر ﷺ تأکید می‌کند. یک مرتبه در میان آیات مکی و یک مرتبه در میان آیات مدنی می‌فرماید: کسانی که به ایشان کتاب [آسمانی] داده‌ایم، همان گونه که پسران خود را می‌شناسند، او [محمد] را می‌شناسند و مسلماً گروهی از ایشان حقیقت را نهفته می‌دارند و خودشان [هم] می‌دانند.<sup>۳</sup>

کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده‌ایم، همان گونه که پسران خود را

۱. بقره، آیه ۱۴۶.

۲. بقره، آیه ۹۰.

۳. بقره، آیه ۱۴۶.



می‌شناسند، پیامبر را می‌شناسند.<sup>۱</sup>

در تفسیر قمی از امام صادق علیه السلام روایت شده است که در تفسیر آیه ۱۴۶ بقره می‌فرماید:

این آیه درباره یهود و نصاری نازل شد، خدای تعالی در آن می‌فرماید: (آنهایی که کتابشان دادیم، او را می‌شناسند- یعنی رسول خدا را- همان‌طور که فرزندان خود را می‌شناسند) و این بدان جهت است که خدای عزوجل در تورات و انجیل و زبور، صفات رسول خدا صلی الله علیه و آله و صفات اصحابش و مهاجرتش را بیان کرده بود و همان را در قرآن حکایت کرده است که محمد صلی الله علیه و آله پیامبر خداست و کسانی که با اویند، بر کافران، سختگیر [و] با هم‌دیگر مهربان‌اند. آنان را در رکوع و سجود می‌بینی. فضل و خشنودی خدا را خواستارند. علامت [مشخصه] آنان بر اثر سجود در چهره‌هایشان است. این صفت ایشان است در تورات و همین است مثل آنان در انجیل.<sup>۲</sup>

پس صفات رسول خدا صلی الله علیه و آله و اصحابش در تورات بوده است و هنگامی که خداوند، پیامبر صلی الله علیه و آله را مبعوث فرمود، اهل کتاب او را شناختند. گاهی به واسطه اهمیت موضوع، تکرار برای جلوگیری از فراموش شدن اصل موضوع است. به‌عنوان مثال تکرار کلمه *لَمَّا* در آیه ۲۹ بقره<sup>۳</sup> بیان‌کننده این نکته ضروری است که در اسلوب تکرار، علاوه بر تکرار ساخت جمله، تکرار معنایی ممکن است صورت بگیرد.

۱. انعام، ۲۰ آیه.

۲. مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ، رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ، تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا، يَتَّبِعُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا، سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ، ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ، وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ (فتح، آیه ۲۹).

۳. بقره، آیه ۸۹.

هم‌چنین، در بحث آگاهی پیشین یهود نسبت به پیامبر اکرم ﷺ علاوه بر آیاتی که با تکرار ساخت جمله بر این آگاهی تأکید دارند، آیات متعدد دیگری، مانند آیات ۱۵۷ اعراف، ۱۰ احقاف، ۲۹ فتح و ۶ سوره صف با بهره‌گیری از اسلوب تکرار معنایی بر این آگاهی تأکید می‌ورزند.

۲. استفاده از تمثیل و تشبیه در ارائه واقعه: خداوند کیفیت شناخت یهود نسبت به پیامبر ﷺ را به کیفیت شناخت ایشان نسبت به فرزندان ایشان تشبیه نموده است. البته در این زمینه، آیات دیگری هم آورده شده است که خداوند در آنها، بخشی از آگاهی یهود را به واسطه بیان ویژگی‌های یاران پیامبر ﷺ در تورات و انجیل می‌داند که در آن‌جا نیز از تشبیه بهره می‌برد، مانند آیه ۲۹ فتح.

در این آیه، محمد ﷺ فرستاده خدا است و یاران و همراهانش بر کافران بسیار قوی‌دل و سخت و با یک‌دیگر بسیار مشفق و مهربان هستند. آنان را در حال رکوع و سجود نماز بسیار بنگری که فضل و رحمت خدا و خشنودی او را می‌طلبند و بر رخسارشان از اثر سجده، نشانه‌های نورانیت پدیدار است. این وصف حال آنها در کتاب تورات و انجیل مکتوب است که (مثل حال آن رسول) به دانه‌ای ماند که چون نخست سر از خاک برآورد جوانه و شاخه‌ای نازک و ضعیف باشد. پس از آن قوت یابد تا آن که ستبر و قوی گردد و بر ساق خود راست و محکم بایستد که دهقانان را (در تماشای خود) حیران کند (هم‌چنین محمد ﷺ و اصحابش از ضعف به قوت رسند) تا کافران عالم را (از قدرت و قوت خود) به خشم آرند. خدا وعده فرموده است که هر کس از آنها ثابت ایمان و نیکوکار شود، گناهانش را ببخشد و اجر عظیم عطا کند. خداوند در این آیه، مؤمنان را به زراعت و گیاهی تشبیه می‌کند که از فراوانی برکت، جوانه‌هایی هم در پیرامون خود رویانده است و

آن را کمک می‌کند تا قوی شود و به صورت مستقل روی پای خود بایستد. به طوری که برزگران از خوبی رشد آن به شگفت درآمده باشند.<sup>۱</sup>

۳. اعتدال و عدم اتهام به تمامی اهل کتاب: خداوند در بخشی از آیه ۱۴۶ بقره خبر می‌دهد از شهادتی که خدای سبحان در کتاب‌های آسمانی اهل کتاب بر نبوت خاتم‌الانبیاء ﷺ داده است و علمای اهل کتاب از آن شهادت، اطلاع کافی دارند. بنابراین، ملاحظه می‌شود، خداوند با آوردن عبارت «فَرِيقًا مِنْهُمْ» حساب توده عوام جاهل را از علمای آگاه یهود جدا می‌کند.

### ۳. نتیجه

قرآن کریم برای تحقق نقش هدایت‌گری خود از تاریخ هم بهره گرفته است. بنابراین، ساختار گزارش‌های تاریخی در قرآن، ساختار یک گزارش تاریخی معطوف به هدف هدایت است. قرآن کریم هیچ‌گاه وقایع را با تفصیلی که در منابع تاریخی معمول است، بیان نمی‌کند و تنها به نقاطی از حادثه اشاره دارد که برای زندگی سعادت‌مندان بشر راه‌گشا و سبب هدایت او است. در پایان با توجه به این که قرآن کریم برای نویسندگان منابع منتخب به عنوان منبعی تبیین‌گر در مباحث تاریخی بوده است، نقش گزارش‌های تاریخی قرآن در تدوین منابع منتخب قابل توجه بوده است و مهم‌ترین نتیجه این پژوهش، حجیت تمام آیات قرآنی است.

شیوه بیان سیر رخداد‌های تاریخ یهود در قرآن کریم و تفاوت موضوعات مورد تأکید قرآن کریم با تاریخ‌نگاری مورخان، یک حقیقت جالب توجه را آشکار می‌سازد که سعی قرآن کریم در اشاره به تاریخ گذشته یهود، آن بوده است که گزارشی جامع و مانع و بی‌کم

۱. وَ مَثَلُهُمْ فِي الْإِنجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَصِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (فتح، آیه ۲۹).

و کاست درباره سرنوشت یک قوم آگاه به اهداف و سنن الهی و در عین حال طغیان‌گر ارائه دهد و نوع بشر را از کلیات و جزئیات سنن و قواعد حاکم بر جهان هستی آگاه سازد و به بهترین شکل ممکن، صراط مستقیم توحید را بر وی بنمایاند. هم‌چنین به این نکته بسیار مهم می‌پردازد که چه‌بسا به‌رغم فهم و عقل، حق در ذهن و ضمیر انسان تحریف شود و برای نمونه از نفوس برخی از علمای یهود در برخورد با قرآن کریم این‌گونه خبر می‌دهد:

يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ؛ کلام حق را پس از این‌که در آن تعقل کردند و

فهمیدند تحریف نمودند.

در خصوص بیان وجوه تشابه، تفاوت و تعارض گزارش‌های قرآن و منابع منتخب در رابطه با آگاهی پیشین یهود از رسول خدا ﷺ، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که شناخت همه‌جانبه فردی یهود نسبت به پیامبر ﷺ هم‌چون شناخت ایشان از فرزندان ایشان بوده است و شناخت نسبت به سایر ویژگی‌های رفتاری پیامبر اکرم ﷺ به‌واسطه بیان آنها در تورات و انجیل و شهادت عالم شاخص یهودی، کعب الاحبار موجب یقین یهود نسبت به ادعای پیامبر ﷺ بوده است. قرآن بشارت آمدن پیامبر ﷺ خطاب به بنی‌اسرائیل و جاری شدن اسم آن حضرت، احمد در سخن حضرت عیسی را به‌صراحت بیان نموده است.

قرآن کریم بر اصل بحث شناخت و انکار رسول خدا ﷺ از سوی یهود تمرکز نموده است. بیان شناخت یهود نسبت به پیامبر ﷺ در میان آیات مکی و مدنی می‌تواند مؤید حضور یهود در این دو شهر در زمان نزدیک به ظهور اسلام باشد. آیات مکی به‌صورت کلی به شناخت یهود از پیامبر ﷺ اشاره می‌کنند اما آیات مدنی شناخت یهود نسبت به پیامبر ﷺ را از میان صفات آن حضرت در تورات بیان می‌نمایند. منابع منتخب تاریخی ضمن پرداختن به حوادث و اتفاقات از تبیین و تحلیل علل و عوامل اصلی موضع‌گیری یهود غفلت نموده‌اند. این تفاوت در نگرش و در شیوه پردازش وجود دارد.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن سعد، محمد بن سعد، *الطبقات الكبرى*، ج ۱، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۸ ق.
۳. ابن کثیر، ابو الفداء اسماعیل، *السیرة النبویة*، ج ۲، تحقیق مصطفی عبد الواحد، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۰۳ هـ.ق / ۱۹۸۳ م.
۴. ابن هشام، عبدالملک، *السیرة النبویة*، ج ۱، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم البیاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: دارالمعرفة، بی تا.
۵. الویری، محسن و دیگران، «نگاه تاریخی قرآن و تاریخ نگاری مورخان مسلمان (نگاه موردی به علت پیروزی مسلمانان در غزوه بدر)»، پژوهشنامه تاریخ اسلام، ش ۱، سال یکم، ۱۳۸۹.
۶. جعفری، یعقوب، *تاریخ اسلام از منظر قرآن*، قم: نشر معارف، ۱۳۸۴.
۷. خوانین زاده، محمد حسین، «دلایل کوچ یهودیان به جزیره العرب»، پژوهشنامه معارف قرآنی، ش ۲، ۱۳۸۹.
۸. رازی، فخرالدین محمد بن عمر، *تفسیر فخر رازی (مفاتیح الغیب)*، ج ۴، قاهره: بی نا، بی تا.
۹. دانش کیا، محمد حسین، نگاهی دیگر به تاریخ در قرآن (تشابه‌ها، تفاوت‌ها و تعارض‌های گزارش‌های تاریخی قرآن با منابع منتخب، بررسی موردی غزوه بدر، احد و تبوک)، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۳.
۱۰. دانش کیا، محمد حسین، «اهداف و ویژگی‌های تاریخ در قرآن با تاکید بر تاریخ اسلام»، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، ش ۱۶، دوره پنجم، ۱۳۹۳.
۱۱. داداش‌نژاد، منصور، «نگاهی گذرا به تفاوت سیره نبوی در قرآن و کتب سیره»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی سیره شناختی پیامبر اعظم ﷺ، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۵.
۱۲. صادقی، مصطفی، *پیامبر ﷺ و یهود حجاز*، قم: انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
۱۳. صدر، سید محمدباقر، *سنت‌های تاریخ در قرآن*، ترجمه سد جلال‌الدین موسوی، چاپ سوم، تهران: انتشارات تفاهم، ۱۳۸۱.
۱۴. \_\_\_\_\_، *مقدمات للتفسیر الموضوعی للقران*، بیروت: دار التوجیه الاسلامی، ۱۴۰۰ هـ.ق.
۱۵. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۲ و ۹، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۲ هـ.ق.

۱۶. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، *تاریخ الامم والملوک المشهور بالتاریخ طبری*، ج ۲، بیروت: دارالتراث، ۱۳۸۷ ه.ق.
۱۷. عارف کشفی، سید جعفر، *رسول خدا ﷺ و یهود*، ویراستاران سید محمد رضا رهنمایی، سید محمد کاظم مددی الموسوی، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، نشر ادیان، ۱۳۹۵.
۱۸. ملکوتیان، مصطفی، *سیری در نظریه‌های انقلاب*، چاپ سوم، تهران: نشر قومس، ۱۳۸۰.
۱۹. واقدی، محمد بن عمر، *المغازی*، ج ۱، التحقیق مارسدن جونز، بیروت: منشورات الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ ه.ق.
۲۰. ولفنسون، اسرائیل، *تاریخ اليهود فی بلاد العرب فی الجاهلیة و صدر الاسلام*، مصر: مطبعة الاعتماد، ۱۳۴۵ ه.ق/ ۱۹۲۷ م.